

نعمت زبان

«در آئین: الماع سلفه علمه زبان سولان»

Ketabton.com

۱۳۹۶



تشیع و نگارش:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی بحق لاره - جرمنی

www.masjed.se

نعمت زبان

زبان (ژبه) کلمه عام فهم است به ترجمه ضرورت ندارد. به حیث وسیله ایجاد ارتباط یعنی انتقال اطلاعات از شخص به شخص دیگر میباشد.

سیستم های ارتباطی در علم (Communication) زیاد است که زبان نامیده نمیشود مثلاً ارتباطات غیر لفظی مانند (body language) زبان اندام، علایم ترافیکی، ریموت کنترل تلویزیون، و غیره.

به این مفهوم زبان یعنی در انگلیسی « Language » (لانگوویج) در عربی « لغة » گفته میشود و اما زبان به حیث وسیله و آله جهت استعمال را در انگلیسی « تانگ » (tongue)، و در زبان عربی « لسان » گویند. منظور بحث ما درین جاء همین مطلب و معنی دوم و اخیر است.

زبان به حیث وسیله افهام و تفهیم و دادن تجارب و مفاهیم به یک دیگر، ساده ترین و کم خرجترین وسیله ای است که در اختیار انسان قرار دارد، بعلاوه سرعت عمل آن با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست و به همین دلیل تأکید دین مقدس اسلام است که باید همیشه آنرا در کنترل خویش داشته باشیم، و همیشه مراقب آن باشیم.

هرچند علمای زبان شناسی ادعا دارند که زبان فقط ۷ فیصد مکالمات و ارتباطات را تشکیل میدهد و متباقی ۳۸ فیصد توسط تاکید، تون و سرعت صدا - ۵۵ فیصد آن توسط زبان و یا هیئت اندام همچو چین های روی، بالا کشیدن ابرو، موقعیت دست ها، و حرکات اعضای دیگر بدن صورت می گیرد.

ولی با آنهم زبان رول اساسی را در مکالمات و ارتباطات به عهد دارد و تمام موارد مذکور منحصراً خدمتگزار زبان مورد استفاده قرار می گیرند.

از «سعید بن جبیر» روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «اذا اصبح ابن آدم اصبحت الاعضاء كلها تستكفي اللسان اني تقول اتق الله فينا فانك ان استقمت استقمنا و ان اعوججت اعوججنا»

(هنگامی که فرزندان آدم صبح می کنند تمام اعضای بدن به زبان هشدار می دهند و می گویند تقوای الهی را در مورد ما مراعات کن، چرا که اگر تو به راه راست بروی ما نیز به راه راست می رویم و اگر تو به راه کج بروی ما نیز به راه کج می رویم!)»

علماء زبان را به مواد مفیدی که در عین وقت قدرت انفجار شدید، نیز دارد تشبیه نموده اند. همان طور یکه انسان از بمب های اتمی و ذروی به دقت حفظ و مراقبت بعمل می آورد، باید همواره مراقب این عضو حساس بدن خویش نیز باشد.

طوری که گفتیم، زبان از مهم ترین اعضای بدن است. زبان منحصراً ترجمان عقل، اندیشه و شخصیت انسان میباشد.

استفاده از زبان در جهت خیر و شر ممکن است به همین دلیل از جمله مباحث مهم و قابل توجه، بحث زبان و خاموشی آن است.

به همان پیمانۀ ای که نعمت بیان و زبان مفید و ارزشمند است، در صورت عدم استفاده معقول آفات آن بیشتر و زیان بارتر میباشد. باید گفت همان گونه که هیچ عبادتی نزد خداوند (جل جلاله) برتر از سخن حق نیست، سخن باطل هم یکی از زشت ترین و بالاترین گناهان محسوب میشوند.

این را هم نباید فراموش کرد که: همان طوری که زبان مجری و عامل تعداد زیاد گناهان بشمار میرود، قسمت مهمی از عبادات و اعمال نیک از قبیل ذکر الله، ارشاد مردم، تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، را نیز تشکیل میدهد.

قرآن عظیم الشان در مورد نعمت کلام و اعضای کمک کننده آن (لب ها و چشم زبان) که نقش بی نهایت اساسی و مهمی را در شخصیت انسان بازی می نماید، میفرماید:

«أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ * وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ * وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (سوره البلد: 8:11) آیا برای او (انسان) دو چشم قرار ندادیم - و یک زبان دو لب؟ - و او را به خیر و شرش هدایت نمودیم!»

واقعاً همانطوریکه قرآن عظیم الشان میفرماید: زبان از جمله معجزه ترین و مهمترین بخش اعضای بدن بوده، رسالت و وظایف سنگین، دشوار و پر مسؤولیتی را در زندگی انسان بازی می نماید.

پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم میفرماید: بهترین اعمال نزد پروردگار حفظ زبان است، و بیشترین گناهان اولاد آدم از زبان اوست.

مقام و منزلت زبان از لحاظی است که زبان از جمله اصلی ترین وسیله ارتباط بین انسانها به شمار میرود.

نباید فراموش کرد: که زبان به همان مقداری که می تواند در خدمت کمال و سعادت انسان قرار داشته باشد، اگر از کنترل انسان خارج گردد، به همان اندازه این عضو بدن توانمندی و استعداد آن را دارد که: دین و دنیای انسان را به تباهی، بدبختی و مصیبت بزرگی مواجه سازد.

علماء بدین باور اند که: زبان مظهر زیبایی باطنی و ظاهری انسان را تشکیل میدهد و زبان، هدایتگر و راهنمای عقل است و زیبایی انسان عاقل، به عقل اوست.

فراموش نباید کرد که کنترل زبان، قدرت و توفیق الهی می خواهد، انسان باید همیشه از پروردگار خویش استدعا نماید که الهی! به ما توفیق استفاده مفید و مثمیری را از این نعمت بزرگ ات نصیب بدارد.

اصلاح زبان سرچشمه همه اصلاحات اخلاقی و انحراف آن سبب همه انحرافات و موجب بدبختی در انسان میگردد.

طوری که گفتیم، زبان ترجمان شخصیت انسان و نماینده عقل است، آنچه بر صفحه روح انسان تأثیر میگذارد، زبان است.

در زمانه های قدیم که امکانات لابراتوری وجود نداشت و معاینات خونی

وترشعی در حد پیشرفته ممکن نبود، اطباء صحت و سلامتی و مزاج صحتمندی انسان را از مشاهده زبان انسان کشف می‌کردند، و معاینات زبان بهترین وسیله بود که اطباء برای تشخیص امراض، مورد استفاده قرار می‌داد. اگر توجه صورت گیرد دیده می‌شود که نقش زبان در شناسایی و معرفی شخصیت‌ها از هیچ کس پوشیده نیست. به وسیله همین زبان است که دانشمندان علم اخلاق، بسیاری از امراض اخلاق انسانها را کشف و نسخه‌های آنرا بیرون می‌کشند. علم اخلاق، اصلاح زبان را گام مهمی برای تقویت فضائل اخلاق، و تکامل روح انسان بشمار می‌آورند.

رسالت زبان:

در این شک نیست که زبان نه تنها در تنظیم مواد غذایی به بدن نقش و رسالتی دارد، همین زبان است که با مهارت معجزه‌آمیز دهن و دندان‌ها را بعد از آسیاب مواد غذایی پاک می‌سازد. و در ضمن همین زبان است که در ارسال لقمه نان به معده و وظایف، خویش را با مهارت خاص و معجزه آسا انجام می‌دهد. رسالت و وظیفه زبان صرف در تنظیم و جویدن و آماده ساختن غذا و سیستم غذا و ارسال مواد غذایی برای بدن انسان خلاصه نمی‌شود بلکه مهمترین رسالت آن سخن گفتن است.

زبان با حرکات منظم، سریع و وسیله افهام و تفهیم بین انسانها است. این نعمت بزرگ الهی در دسترس همه انسانها قرار گرفته است. این نعمت بزرگ الهی خستگی را نمی‌شناسد، و کمتر به استراحت ضرورت دارد و به هزار زبان و لهجه می‌تواند تکلم کند. الهی به ما انسان‌ها توفیق استفاده سالم را از این عضو پر اهمیت نصیب فرماید.

زبان وسیله شناخت انسان:

زبان عمده‌ترین وسیله‌ای است که انسانها به کمک آن با یکدیگر ارتباط فکری برقرار می‌کنند و ایجاد تفاهم و انتقال مفاهیم از طریق زبان صورت می‌گیرد. در یک جمله گفته می‌توانیم که زبان ملاک ارزش و معرف شخصیت انسان و ترازوی عقل انسان است.

بنابر همین منطق است که علماء زبان را دریچه روح انسان معرفی می‌نمایند، این بدین معنی است که از ملاقات و از هم صحبت شدن به انسانها، می‌توانیم به عمق وجود درونی انسانها پی ببریم، و همین زبان و بیان است که به روح و روان انسانها اثر می‌گذارد.

زیبایی‌های زبان در قرآن کریم:

در قرآن عظیم‌الشان، در اضافه‌تر از بیست مرتبه مفاهیم و معنا‌های متفاوتی از کلمه «لسان» و مشتقات آن که در عربی به معنای «زبان» است، استفاده بعمل آمده است.

البته کلمه «قال» که در عربی به معنای گفتن است و در گفتن معمولاً از «زبان» استفاده می‌شود، در موارد بسیاری در قرآن کریم بیان گردیده که تفصیل

آن از حوصله ی این مبحث خارج است.

قرآن عظیم الشان در بعضی جاها از زبان به عنوان عضو و ارگانی در بدن انسان یاد می کند و در جایی از آن به عنوان وسیله ای جهت هدایت انسان ها و یا از تنوع زبان به عنوان نشانه الهی که باعث شناخت اوست و در معانی دیگری، که به مناسبت به آن پرداخته می شود، یاد گردیده است.

در قرآن عظیم الشان میفرماید: **« وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (سوره الروم آیه ۲۲) »** (از نشانه های الهی، خلقت آسمان ها و زمین و اختلاف زبان ها و رنگ های شماست. به درستی که در آن، نشانه هایی برای دانشمندان نهفته است.

قرآن عظیم الشان میفرماید: چه قدر زیباست که انسان، زبان فصیحی برای حق گویی داشته باشد و توسط همین زبان راه سعادت را به دیگران نشان دهد.

قرآن کریم میفرماید: **« فَإِنَّمَا يَسْتَرْزَاهُ بِلِسَانِكَ لِئُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا (سوره مریم آیه ۹۷) »** (به درستی که ما آن (قرآن) را به زبان تو آسان کردیم تا با آن، پرهیزکاران را نوید و مردم ستیزه جو را بیم دهی.)

چگونگی بهره مندی از این وسیله عزت آفرین یا ذلت بخش، به اختیار و اراده انسان ترسیم می شود و زبان، در روز قیامت بر رفتارهای ناپسند و گناه آلود انسان شهادت می دهد؛ **« يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سوره النور آیه ۲۴) »** (روزی زبان ها و دست ها و پاها به آنچه عمل کرده اند، شهادت می دهند).

زبان در احادیثی نبوی (صلی الله علیه وسلم):

در مورد اهمیت زبان و چگونگی استفاده از آن احادیثی متعددی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت گردیده است، ولی من در این مبحث به چند نمونه از این احادیث اکتفا میکنم:

- در حدیثی از سهل بن سعد (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: **« هر کس برای من تعهد کند که زبان و شرمگاه (عورت) خویش را**

(محفوظ نگه دارد) من برای او بهشت را تعهد میکنم. » (رواه البخاری)

- همچنان در حدیث دیگری از سفیان بن عبد الله ثقفی روایت است که به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم عرض کردم: یا رسول الله در باره من آنچه خطرناک تر است بیان فرمائید. آن حضرت زبان خود را گرفته فرمودند: بیشترین خطر از این است. (رواه ترمذی)

- در حدیثی از حضرت عبدالله بن عمرو بن عاص روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر کس خاموش شد، نجات یافت. (رواه ترمذی، احمد، الدارمی و بیهقی فی شعب الایمان)

- از حضرت علی بن حسین، زین العابدین رض روایت شده است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمودند: از حسن و کمال اسلام انسان اینست که از سخن

غیر لازم و غیر مفید اجتناب کند. (رواه مالک، احمد، ابن ماجه به روایت ابی هریره، ترمذی و بیهقی فی شعب الایمان.)

زبان وسیله تمایز انسان با حیوان:

نعمت نطق و بیان از جمله مهم‌ترین نعمت‌های الهی است که پروردگار با عظمت ما برای انسان اعطا فرموده است.

علماء و دانشمندان، نطق را مظهر تفکر و تعقل دانسته، و سخن گفتن را علامه ممیز انسان از حیوان می‌دانند، پروردگار با عظمت ما در قرآن عظیم الشان، پس از تعلیم قرآن و خلقت انسان، تعلیم بیان را با زیبایی خاصی چنین بیان داشته است: «الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (سوره الرحمن: آیات 1-4) «(الله رحمان، قرآن را آموخت، انسان را آفرید و به او بیان را تعلیم داد.)»

ملاحظه می‌شود که نقش زبان در بیان بمثابه یکی از بزرگترین نعمت‌ها است که پروردگار با عظمت ما برای انسان اعطا نموده است. همین برکت زبان است که انسان به این همه معجزات و ترقی و تعالی در زندگی دست یافته و اگر این نعمت بزرگ الهی نمی‌بود، هرگز انسان نمی‌توانست که تجارت و زندگی خویش را به آسانی از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد، و سبب پیشرفت علم و دانش و تمدن و دین و اخلاق گردد.

به هر حال، نعمت بیان از مهم‌ترین و شگفت‌انگیزترین نعمتها و مواهب الهی است که آسایش و آرامش و پیشرفت و تکامل انسانها رابطه بسیار نزدیکی با آن دارد. از تفسیر این آیه متبرکه که به وضاحت تام معلوم می‌گردد که نعمت بیان، پس از تعلیم قرآن و خلقت انسان، یکی از افضلترین نعمت‌ها بشمار می‌رود. قدر این نعمت را کسی بهتر می‌داند که از نعمت گویایی محروم گردیده. بنا بر ما لازم است قدر این نعمت اعطا شده را درک نمایم و از پروردگار خویش سپاسگزار باشیم.

عفت زبان:

عفت از جمله مهم‌ترین فضایل اخلاقی در انسان بحساب می‌آید، عفت زبان یکی از خواسته‌های ارزشمند اخلاقی در دین مقدس اسلام بشمار می‌رود. و مسلمان متقی و متدین همه سعی و تلاش خویش را بخرچ می‌دهد، تا در حد توان زبان خویش را از گفتارهای غیر ضروری و غیر اخلاقی، و ناسالم حفظ و درامان داشته باشد.

در آیات مختلف قرآن عظیم الشان، خداوند متعال با پیامبران، ملائکه، مؤمنان، عموم مردم و حتی با کفار و مشرکان، ادب در کلام را کاملاً رعایت می‌کند. به مؤمنان نیز دستور می‌دهد با دیگران زیبا سخن گفته و از به زبان آوردن گفتار زشت و بی ادبانه (حتی در مقابل کافران و ابلهان) دوری گزینند: «با مردم (به زبان) خوش سخن بگویید» و نیز می‌فرماید: «و به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند، که شیطان میانشان را به هم می‌زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمن آشکار است.»

ادب اقتضای آن را دارد که گوینده در گفتار خود از سخنان لغو و بیهوده دوری نموده و کلمات مفید و شیوا را به زبان آورد. بیهوده گویی یکی از اخلاق ناپسند است که پروردگار با عظمت ما دوری از آن را یکی از ویژگیهای مؤمنان بر شمرده است.

در قرآن عظیم الشان برای هر گفت و شنودی، نوع و شیوه ای خاص از گفتار توصیه شده، مانند قول حسن، قول معروف، قول کریم و استفاده از بعضی شیوه ها مانند مکالمه با صدای بلند، یا با ناز و کرشمه مورد نهی قرار گرفته است. حضرت سفیان (رضی الله عنه) در روایتی از پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

« خوفناکترین چیزیکه از آن نسبت به من در خوف باشی چیست؟ پیامبر(صلی الله علیه وسلم) زبان خود را گرفته وگفت: این صحابی جلیل القدر اسلام حضرت ابی هریره (رضی الله عنه) روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: یک شخصی سخنی میگوید که در آن رضایت پروردگار است، او در حالیکه بدین سخن خود توجه هم نمیکند، ولی خداوند درجات وی را بلند مینماید، و گاهی هم شخصی سخنی میگوید که در آن غضب خداوند است، در حالیکه به آن سخن آنقدر توجه هم نمیکند ولی خداوند متعال به سبب همان سخن، وی را در آتش دوزخ میاندازد. (بروایت بخاری).

از حکم حاصله این حدیث شریف به وضاحت تام معلوم میشود که انسان باید در سخن گفتن احتیاط کند، زیرا یک سخن عادی سبب نجات و یا هم بربادی انسان میگردد.

عفت زبان از جمله موضوعاتی است که با رعایت آن انسان میتواند به مقام های عالی دست یابد.

و در این بابت حدیثی داریم که میفرماید: « که هرگاه کسی خاموشی اختیار نماید، این خاموشی وی به اندازه شصت سال عبادت میباشد. (مرجع حدیث) بسیاری از اشخاصیکه دارایی زبان عفیف نیستند، هنگام صحبت کردن سخنان بسیار زشت، بد و دور از اخلاق و اداب اسلامی و به اصطلاح ما افغانها دور از نزاکت از دهان شان خارج میگردد، و به اصطلاح به جلوی زبان خویش متوجه نمیشوند، ولی یک مؤمن مسلمان کوشش مینماید که زبان خود را از استعمال کلمات زشت و بی فایده حتی در ملاقات با دوستان صمیمی خویش حفظ و عفت زبان داشته باشد.

فحاشی و بد زبانی، هرزه گویی، و بیان کلمات رکیک، یکی از خصایص بد اشخاص فاسد، عاجز، ناتوان و بی منطق است.

معمولاً اشخاص بیعقل، در برخورد با مردم و بخصوص در بحث های علمی، چون از منطق و از سطح لازم منطقی و علمی برخوردار نیستند و از دادن جواب صحیح و منطقی عاجز هستند، یکسره زبان خویش را مانده اسباب بی صاحب چالان نموده و الفاظ زشت و بدی بزبان می آورند.

اشخاص جاهل و نادانی که با کوچکترین بهانه غضب ناک شده، و به دور از شرم

و حیا، به فحش ورد و بد می آغازند که در نتیجه به شخصیت جانب مقابل صدمه می زنند.

ناسزا و دشنام عملی بد و گناه است که در خور اهل ایمان و انسان های خداپرست با وقار و مؤدب به ادب اسلامی نمی باشد. نباید فراموش کرد ، نسخه اساسی و شرعی درمقابله به مثل در امثال این مورد که گناه و زشتی آن مسلم است، نیز شایسته مؤمن نیست، بهترین برخورد با انسان فحاش و بد زبان بی توجهی کریمانه به او است. قرآن کریم عظیم الشان در صفات مؤمن می فرماید: « **وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا**» (سوره فرقان آیه 72) ؛ هنگامی که با لغو برخورد می کنند، کریمانه از آن عبور می کنند.

آخرین یاد آوری:

نباید فراموش کرد که سخن های ما حرف به حرف، و نقطه به نقطه ثبت و ضبط گردیده جوابگوی صحبت های خویش در دنیا و آخرت می باشیم ، باید طوری صحبت کنیم که فردا در روز قیامت ، الفاظی که از دهانمان خارج شده ، سرافکننده و شرم سار نشویم و باید شخصیت والای خویش را از جواب بالمثل و به اصطلاح آوردن چنین کلماتی بی ارزش ، کوچه یی و کم سوپه نگاه کنیم .

تقاضای اعضای بدن از زبان:

زبان در جسم انسان از چنان مقام و منزلتی برخوردار است ، که صبحانه تمام اعضای بدن با احترام خاص به پیش زبان آمده ، از زبان احترامانه تقاضای **احتیاط** را بعمل می آورد ، و برایش عرض میدارند و می گویند:

ای زبان ! در حق ما تقوای الهی را پیشه کن و از خدا بترس؛ زیرا اگر تو راست و درست باشی و به نیکی سخن بگویی و حرف های بد و غلیظ و بیهوده نگویی، ما هم به خوبی و درستی عمل می کنیم .

اصلاح کار ما به عمل تو وابسته است ، ولی اگر کج روی کنی و سخن بد و بیهوده از تو صادر شود، ما نیز به واسطه عملکرد تو کج و به کار های بد اغشته خواهیم شد.

در این مورد حدیثی داریم که از «سعید بن جبیر» روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «**إِذَا صَبَحَ ابْنُ آدَمَ اصْبَحَتِ الْأَعْضَاءُ كُلُّهَا تَسْتَكْفِي اللِّسَانَ أُنَى تَقُولُ اتَّقِ اللَّهَ فَيُنَا فَاتَكَ إِنْ اسْتَقَمْتَ اسْتَقَمْنَا وَ إِنْ اعْوَجَجْتَ اعْوَجَجْنَا**»

(هنگامی که فرزندان آدم صبح می کنند تمام اعضای بدن به زبان هشدار می دهند و می گویند تقوای الهی را در مورد ما مراعات کن، چرا که اگر تو به راه راست بروی ما نیز به راه راست می رویم و اگر تو به راه کج بروی ما نیز به راه کج می رویم!)»

بنأ ما انسانها که هر روز از خواب بیدار می شویم باید به زبان خود توصیه کنیم و آنرا در کنترل خود داشته باشیم .

ما زمانیکه صبحانه از خواب بیدار میشویم، باید مراقب خطرات زبان خویش باشیم ، زیرا همین عضو بدن انسان را به اوج سعادت میرساند و همین زبان است

که انسان را بر خاک ذلت و شقاوت می نشانند.
میگویند شخصی بحضور رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد. پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش فرمود: میخواهی ا تو را به امری رهنمایی کنم تا پرودگار به وسیله آن، تو را اهل جنت بسازد.

مرد در جوابش فرمود: بلی یا رسول الله.
پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آنچه الله به تو نعمت داده، به دیگران عطاء کن. «عرض کرد: اگر خودم نیاز مندتر باشم، چه کنم؟ حضرت فرمود: «شخص مظلومی را یاری کن. «گفت: اگر خودم مظلوم تر و ناتوان تر بودم، چه کنم؟ فرمود: شخص نادان و نا آگاهی را رهنمایی کن! گفت: اگر خودم از او نادان تر و ناآگاه تر بودم، چه کنم؟ حضرت فرمود «از زیانت مراقبت کن و جز در موارد نیک از آن استفاده نکن!» سپس حضرت فرمود «آیا خوشحال نمی شوی که یکی از این خصوصیت ها را انجام دهی تا به واسطه آن به جنت بروی.»

باید دانست که خطر زبان زیاد است جز با سکوت، نمیتوان از آن نجات یافت. از این رو هدایت و دستور دین مقدس اسلام است که از پر حرفی جلوگیری کنیم و سکوت را اختیار نمایم. اسلام با صراحت تام میفرماید: «هر کس سکوت کند نجات یابد».

درد زبان:

همانطوریکه زبان یکی از پربرکت ترین عضو وجود انسان میباشد، در ضمن یکی از خطرناکترین عضو نیز بشمار میرود. زبان هم آفات دارد و هم خطرات، آفات و گناهایی که به وسیله زبان صورت میگیرد، توسط سایر اعضای بدن کمتر بوقوع می پیوندد، دردی که از ناحیه زبان صورت می پذیرد، نسبت به سایر اعضا بسیار کم و یا زود گزر است ولی درد زبان ابدی و تا آخر عمر باقی میماند. در زبان افغانی ضرب المثلی داریم که میگویند درد هر چیز میرود ولی درد زبان نمی رود، وحتی درد اش ابدی میباشد.
برای تقلیل ضرر از ناحیه زبان همانا کم حرفی و جلوگیری از یاهو سرایی، است. باید انسان از تمسخر و استهزای دیگران، از غیبت و سخن چینی، نفاق و دشمنی و در نهایت نا سنجیده سخن گفتن، تهمت، شهادت باطل، خود ستایی و آزار دیگران، جلوگیری کرد.

کم سخن گفتن :

زبان ساده ترین و کم مصرف ترین وسیله ای است که در اختیار انسان قرار دارد، و سرعت عمل آن به اندازه سریع است، که نمیتوان به هیچ یک از اعضای دیگر بدن مقایسه کرد، بناءً در کنترل و مراقبت آن باید از احتیاط کار گرفت. زبان سخنگوی عقل و اندیشه و شخصیت انسان است. استفاده از زبان هم در جهت خیر و هم در جهت شر امکان دارد. به اندازه ای که نعمت بیان و زبان مفید و ارزشمند است، به همان اندازه آفات آن زیانبار و ناپسند بوده می تواند. باید گفت همان گونه که هیچ عبادتی نزد خداوند برتر از سخن حق نیست، هیچ گناهی

بالا تر از سخن باطل نمی باشد. این را هم باید توجه داشت، همان طور که بیشتر گناهان با زبان انجام می شود قسمت مهمی از عبادات و اعمال نیک از قبیل ذکر خدا، ارشاد مردم، تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، با سخن گفتن و زبان انجام می شود.

تعدادی کثیری از آیات قرآنی بر این مفهوم عالی تاکید میکند ، اینکه اندک سخن گفتن و یا هم در مواردی سکوت نمودن ، موجب تقلیل بسیاری از لغزش ها میگردد.

این بدین معنی است که هر قدر انسان کمتر سخن بگوید و یا هم بیشتر سکوت اختیار کند ، به همان اندازه بیشتر در امن و سلامتی بهتر زندگی خواهد کرد. انسان باید در زندگی خویش کم سخنی را ریاضیت کند، و به هر اندازه ای که این تجربه را آزمایش کند، لغزشهای او کمتر میشود.

علماء بدین باور اند که ممارست و ریاضت کم سخنی در نهایت موجب آن میگردد که جلو زبان خویش را در اختیار خود قرار گیرد و مانع طغیان و سرکشی زبان گردد که در نهایت جز حق نگوید و جز به رضای خداوند سخن نراند.

هدف از کم سخن گفتن و یا هم سکوت ، سکوت مطلق نیست ، زیرا بسیاری از امور زندگی از طریق سخن و استدلال و منطق حل میشود ، هدف در این مورد همان « **قلة الكلام** » (کم سخن گفتن) یا به تعبیر دیگر، خاموشی، در برابر سخنان فساد انگیز یا مشکوک و بی محتوا و مانند آن است.

سکوت ، انسان را در مقابل بسیاری از گناهان بیمه می کند و او را به فکر و اندیشه که سرچشمه ی حیات معنوی اوست دعوت می کند، به همین دلیل انسانهای پرمایه و اهل علم سکوت را پیشه میکنند، بالعکس انسانهای پرحرف غالباً کم مایه اند و کمتر از خود عمل نشان می دهند.

میگویند سکوت بهترین وسیله برای زنده کردن نیروی اندیشه است زیرا هنگام سخن گفتن نیروهای فراوان فکری مصرف می شود.

اگر این انرژی ذخیره شود نیروی عظیمی را تشکیل خواهد داد که به وسیله ی آن حقایق بزرگی را می توان درک نمود، به علاوه سکوت آرامش بخش روح و تعدیل کننده احساسات است و پرحرفی که نقطه ی مقابل سکوت است انسان را لآبالی بار می آورد ، زیرا لغزشهای انسان را زیاد و حیا را کم می کند و با شکسته شدن سدّ حیا، که نتیجه کثرت لغزشهاست اعمال خلاف را برای شخص ساده می نماید.

به یاد داشته باشید : در روزگار زندگی بسیاری از انسا نها دیده شده ، که از سخن گفتن پشیمان شده اند ، اما به خاطر سکوت کمتر مردم اظهار ندامت می کنند.

لقمان به فرزندش فرمود: « **فرزندم چه بسا که من در اثر گفتار پشیمان شده ام اما به خاطر سکوت افسوس نخورده ام .** » (بیهقی ، 166 ، 1376)
از دانایی پرسیدند چگونه می توان به میزان عقل کسی پی برد؟
پاسخ داد: از حرفی که می زند.

پرسیدند: اگر چیزی نگفت چه؟

پاسخ داد: هیچ کس آنقدر عاقل نیست که همیشه سکوت کند.

جلو زبان را باید در اختیار داشت:

بر مسلمان واجب است که زبانش را حفظ کند، و چیزی نگوید که موجب غضب الهی قرار گردد، چه بسا انسان سخنی بر زبان جاری کند و چنین بیندارد که سخنش چیزی نبوده حال آنکه موجب عقاب و عذاب او بشود.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « **إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مَا يَبِينُ فِيهَا، يَزُلُّ بِهَا فِي النَّارِ أَبَعَدَ مِمَّا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ** » (6477) وفي مسلم (أبعد ما بين المشرق والمغرب) (2988).

یعنی: « گاهی بنده خدا حرفی می‌زند که درباره آن فکر و دقت نمی‌کند، ولی این حرف باعث می‌شود به دوزخ بلغزد (و به قدری در آتش فرو می‌رود) که از فاصله‌ی مشرق و مغرب بیشتر است».

و در روایتی آمده که فرمود: « **إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ لَا يَرَى بِهَا بَأْسًا يَهْوِي بِهَا سَبْعِينَ خَرِيفًا فِي النَّارِ** » (ترمذی (2314).

یعنی: «گاهی انسان سخنی بر زبان جاری می‌کند که از نظر او مهم نیست اما (نمی‌داند که با) گفتن آن به اندازه هفتاد سال به جهنم فرو می‌رود».

بلال مزنی رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « **وَأَنَّ أَحَدَكُمْ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ، فَيَكْتُبُ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا سَخَطَهُ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَاهُ** » ترمذی (2319) وصححه الألبانی فی صحیح الترمذی.

یعنی: « ممکن است کسی از شما سخنی که سبب غضب خداوند شود بگوید و گمان نکند که بدی و عذاب آن سخن، به آن درجه برسد که رسیده است و به علت آن، خداوند غضبش را تا روز لقاء الله برای او می‌نویسد».

و پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم فرمود: « **مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا، أَوْ لِيَصْمُتْ** » متفقٌ علیه. یعنی: «هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، یا سخن نیک بگوید، یا ساکت باشد».

فکر کردن قبل از سخن گفتن:

فکر کردن قبل از گپ زدن علامه تعقل است، و گپ زدن بدون تعقل علامه بی‌عقلی است انسان عاقل قبل از اینکه سخن می‌گوید اول باید فکر کند که چه باید بگوید. و یا به تعبیری دیگر انسان باید در هنگام سخن گفتن تأمل کند که سخن بیهوده از دهنش خارج نگردد، زیرا اگر در گفتار، زمام اختیار زبان از کف بدر آید، عواقب سوء و زیانباری را به دنبال خواهد داشت.

قبل از اینکه انسان سخنی را بیان میدارد ، اولاً باید به محتوا و انگیزه و نتیجه سخنان خود کمی فکر کند و سخن باسنجش از زبان بیرون کند ، یقین داشته باشید که اگر انسان در زندگی خویش همچو روش را ممارست کند از بسیاری از لغزشهای زبان و گناهان، نجات خواهد یافت.

معجزهء زبان:

طوریکه یاد آور شدیم ، زبان عضو معجزه اسای بدن و یکی از اساسی ترین عضو انسان بشمار می رود ، و مقام و منزلت خاصی ، در عزت آفرینی و نیز در سقوط انسان ها، بازی میکند.

در طول تاریخ ، زبان ، مؤثرترین و آسان ترین ابزار برای ارتباط، ترجمه و بیان احساس های درونی ، آموزشی میراث فکری بشر و انتقال فرهنگ و تجربه ها از يك نسل به نسل دیگر بوده است . زبان می تواند چون شمشیر برنده عمل کند و سر گوینده اش را بر باد دهد یا نابینایی را از افتادن در چاه رهایی بخشد. زبان را می توان سخن گو و نماینده دیگر اعضای بدن انسان دانست که می تواند آسایش و راحتی آنها را فراهم کند یا درد سر ساز باشد.

بنابر این روایت ، زبان عضو سرکشی است که اگر صاحبش ، آن را به حال خود واگذارد، نه تنها به دیگران ، بلکه خود او را نیز زیانبار می سازد. زبان هم گل دارد هم خار؛ هم اصلاح می کند هم خراب ؛ هم راست گفته می تواند و هم دروغ . در یک لحظه خدایی است و اگر جلو آنرا رها کنیم شیطانی میشود . از سوی دیگر، زبان ، ترجمان قلب انسان و آنچه در وجود اوست می باشد. ، محتویات درونی وی به شکل کلمات بر زبانش ظاهر می شود. به تعبیر دیگر، زبان ، آئینه تمام نمای وجود انسان است ؛ اگر جز ناپاکی و ناگفتنی از زبان جاری نمی شود، نشانه سنگ دلی و کدورت قلب است ..

زبان با وجود کوچکی ، مسئولیت سنگینی برای انسان ایجاد می کند، زیرا وظیفه بزرگی به عهده آن گذاشته شده است و چه وظیفه ای بزرگ تر و سنگین تر از این که کفر و ایمان تنها با زبان آشکار می شود.

زبان با گفتن شهادتین ، بزرگ ترین جزء از اجزای ایمان را به جا می آورد و با انکار آن ، انسان را در شمار کافران جای می دهد.

زبان ، سرچشمه گناهان فراوانی است . هر يك از اعضای بدن ، اسباب و امکاناتی می خواهند تا به انحراف کشانیده شود ، ولی زبان یگانه عضو بدن است که به اسانی و بدون مقدمات ، راه گناه و خطا را می پوید و مرتکب معصیت می شود؛ گناهایی که نه تنها برای افراد، بلکه برای اجتماع نیز زیان آور است . به همین علت ، اسلام با توصیه های فراوان ، از پیروانش خواسته است تا سخن بیجا بر زبان جاری نکنند و از هر کلمه و کلامی که شخصیت دیگران را داغدار و لکه دار می سازد پرهیز کنند .

شخصیت انسان از صفاتی تشکیل می شود که خود آن صفات دیدنی نیست ، ولی اثر آن را در کارهای انسان می توان دید. این صفات دو گونه اند: برخی از آنها به آفریننده جهان مربوط است که آموختنی و در اختیار انسان نیست ، مانند اصل

عقل ؛ بخشی دیگر در اختیار انسان است که می تواند آنها را در بعد مثبت با کوشش به دست آورد، مانند دانش (فضایل اخلاقی) و در بعد منفی از خود دور کند، مانند: دروغ (ردایل اخلاقی). (بسیاری از صفات خوب وبد، با سخن گفتن به وجود می آید و سکوت ، پرده ای است که روی آنها می افتد. پس با سخن گفتند، پرده به يك سو می رود و عیب و هنر آدمی نمودار می شود.

چی زیبا است که میفرماید : « **الجمال فی اللسان** » (زیبایی در زبان (انسان) است . این سخن ، در برگیرنده همه زیبایی هایی است که شخصیت انسان را تشکیل می دهد و نباید آن را در معنایی محدود زندانی کرد.

آفتهای زبان:

قرآن عظیم الشان در سوره حجرات خطاب به مومنان می فرماید:

« **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ** » (سوره الحجرات ۱۱)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! گروهی (از مردان) گروه دیگر را مسخره نکند، شاید آنان (= مسخره شدگان) از اینها بهتر باشند، و نه زنانی، زنان دیگر را، شاید آنان (= مسخره شدگان) از اینها بهتر باشند، و از یکدیگر عیبجویی نکنید، و یکدیگر را با القاب زشت نخوانید، که پس از ایمان (آوردن) نام فسق بسیار (زشت و) بد است و هر که توبه نکرد، پس آنانند که ستمکارند.

« **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ** » (سوره الحجرات: 12)

«ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد پس از آن کراهت دارید و از الله بترسید که الله توبه پذیر مهربان است.»

و رسول گرامی اسلام نیز در سخنان گوهر بارشان بارها ما را از استفاده نادرست از زبان ، این امانت الهی بازداشته اند چنانچه می فرمودند: « **فَعَن مَعَاذَ بِنِ جِبِلِّ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (... ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَكَ ذَلِكَ كَلَه؟ قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ: كَفَّ عَلَيْكَ هَذَا قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنَّا لَمُؤَاخِذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: تَكَلَّمْتَ أَمَكَ يَا مَعَاذَ وَهَلْ يَكِبُ النَّاسُ فِي النَّارِ عَلَىٰ وَجُوهِهِمْ أَوْ قَالَ: عَلَىٰ مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدَ أَلْسِنَتِهِمْ** ». (رواه الترمذی وقال: حديث حسن صحيح)

در این حدیث طولانی پس از اینکه رسول الله یار باوفایش معاذ بن جبل رضی الله عنه را به ارکان اسلام وقله های بلند آن همچون نماز وروزه و زکات و جهاد فراخواند سپس خطاب به او میفرماید: آیا تو را به قوام وپایه تمامی این کارها آگاه نسازم؟ (معاذ رضی الله عنه میگوید:) گفتم آری ای رسول الله. پس او زبان خود را در دست گرفت و فرمود: این را حفظ کن. (معاذ میگوید:) گفتم ای رسول الله ، آیا ما به گفته هایمان مؤاخذه می شویم؟ پس (رسول الله) فرمود:(مادرت به عزایت بنشیند) ای معاذ، آیا

چیزی جز نتایج وکاشته های زبان های مردم آنان را با صورتهایشان در آتش می افکند؟!

غیبت:

از جمله رفتارهای ناشایسته زبان میتوان به غیبت کردن ، بهتان زدن ، دروغگویی ، استهزا و مسخره کردن ، عیب جویی کردن ، طعنه زدن ، زخم زبان زدن به دیگران ، فحش و ناسزا گویی و بسیاری از اخلاق ناپسند و نکوهیده دیگر اشاره نمود که همگی آنها از آفتهای زبان به شمار می آیند.

پس بیایید بسیار زیرک و آگاه باشیم تا از این چاقوی دولبه یعنی زبان استفاده درست ببریم و آنرا در راه خیر و صلاح بکار گرفته و از راه شر و بدی باز داریم زیرا همانگونه که زبان یک نعمت عظیم الهی و در اختیار ماست او یک امانت نیز می باشد که ما باید در حفظ آن کوشا باشیم و هرگز در ادای این امانت خیانت نوزیم.

رسول گرامی اسلام و یاران باوفای ایشان و پیروان راستین آنها ، گذشتگان نیک ما بهترین و کاملترین اسوه و نمونه برای ما در حفظ و پاسداری از زبان خود هستند چنانچه در حدیث سابق مشاهده نمودید که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم چگونه و با چه شدتی معاذ رضی الله عنه را بر حفظ و نگهبانی از زبان و گفتار خود راهنمایی نمود.

و در حدیث دیگری که امام محمد بن اسماعیل بخاری رحمت الله علیه در صحیح خود آن را روایت نموده است رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «و ان العبد لیتکلم بالكلمة من سخط الله لا یلقى لها بالاً یهوی بها فی جهنم». «و همانا که بنده بدون توجه و مبالات کلمه ای که الله را ناخشنود میسازد بر زبان می آورد و بوسیله همان

کلمه در دوزخ سقوط خواهد کرد. گویا این که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم با این سخن تنها ما (مسلمانان امروزی) را خطاب قرار داده است زیرا متأسفانه در جامعه اسلامی معاصر کمتر افرادی را می توان یافت که زبان خود را از آفات و محرمات حفظ نموده باشند و در نشستن ها و همنشینی ها و جلسه های بی هدف به

غیبت و تهمت و استهزاء و عیب جویی دیگران نپرداخته باشند . متأسفانه بسیاری از ما بخصوص زنهای مسلمان اوقات فراغت خود را با خوردن گوشت برادر و خواهر دینی خویش پرده آبرو و حشمت آنها را می درند حال آنکه از وعید های خطرناک الله و رسول وی صلی الله علیه وسلم غافل مانده آنگاه که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطاب به یارانش فرمودند: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «من یضمن لی ما بین

لحییه و ما بین رجليه أضمن له الجنة». (أخرج البخاری و الترمذی عن سهل بن سعد رضی الله عنه قال)

«هر که حفاظت ما بین دو ریشش (زبانش) و ما بین دو پایش (شرمگاهش) را برای من تضمین نماید ، من نیز بهشت برین را برای او ضمانت میکنم.»

این بدین معناست که هر که نتوانست از زبان و شرمگاه خود در برابر محرمات الهی پاسداری نماید سرانجام او آتش جهنم خواهد بود.

بارها از شر عذاب دردناک آخرت و آتش سوزان جهنم به تو پناه می آوریم و از تو می خواهیم به ما توفیق دهی تا بتوانیم از زبان خود پاسداری نماییم و از آفتهای آن در امان باشیم ، بدرستی که تو بر همه امور قادر و توانایی.

دروغگویی:

یکی از خطرناکترین و مضرترین حالتی که علماء بر آن تاکید دارند ، همانا عدم

کنترل زبان ، و دروغگویی است که این مریضی خود منشاء امراض و اعراض بسیار کشنده دیگری ، که باعث تباهی و نابودی فطرت پاک انسان می گردد. رسول صلی الله علیه وسلم در حدیثی که امام بخاری و امام مسلم روایت فرموده است : « **إن الصدق يهدي إلى البر وإن البر يهدي إلى الجنة وما يزال الرجل يصدق ويتحرى الصدق حتى يكتب عند الله صديقاً، وإياكم والكذب فإن الكذب يهدي إلى الفجور وإن الفجور يهدي إلى النار وما يزال الرجل يكذب ويتحرى الكذب حتى يكتب عند الله كذاباً** ».

(همانا صدق و راستی به سوی نیکی هدایت می‌کند، و نیکی به سوی بهشت، و شخص همیشه راستی پیشه می‌کند تا آنکه به مقام «راستی» می‌رسد. و همانا دروغ به سوی فجور رهنمون می‌شود و فجور نیز انسان را به سوی آتش می‌برد و شخص همیشه دروغ می‌گوید تا آنکه نزد الله به عنوان دروغگو نوشته می‌شود). (به روایت بخاری و مسلم)

دروغ گفتن علاوه بر عذاب اخروی ، آثار سوء و مفساد فراوانی را در دنیا هم به دنبال دارد که از جمله آنها ، بی اعتبار و بی ارزش ساختن انسان در جامعه و پاشیدن تخم عداوت و دشمنی و تفریق میان دوستان می باشد.

پروردگار با عظمت در این مورد با چه زیبایی فرموده است :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحُّوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ » (سوره الحجرات: 6)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد (نسبت به صحت خبر) نیک و ارسی کنید مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید).

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «عن أبي هريرة عن النبي (صلى الله عليه وسلم) أنه قال: من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيراً أو ليصمت.. (رواه البخاری و مسلم) (ابوهریره رضی الله عنه از رسول گرامی اسلام روایت میکند که ایشان فرمودند: هر کس به الله متعال و به روز رستاخیز ایمان دارد؛ پس یا سخن نیک گوید و یا اینکه باید خاموشی را برگزیند.)

پس ای بندگان تقوای الله را در پیش گرفته و جز سخنان حق چیز دیگری را بر زبان جاری نسازید. قال تعالی:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ، يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا » (سوره الأحزاب: 70-71)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الله را در پیش گرفته و سخنی استوار گوید (۷۰) تا اعمال شما را اصلاح نماید و گناهانتان را بر شما ببخشد و هر کس الله و رسولش را فرمان برد قطعاً به رستگاری بزرگی نایل آمده است (۷۱)» از انس بن مالک (رض) روایت شده است که: «کان رسول الله صلی الله علیه وسلم يعيد الكلمة ثلاثاً لتُعقل عنه». (البخاری). «پیامبر صلی الله علیه وسلم مطلب را سه مرتبه تکرار می‌کردند تا فهمیده شود».

ایشان با مردم خوش برخورد بودند و از ترس آنها می‌کاستند زیرا برخی از افراد در برخورد با ایشان گرفتار ترس و استرس می‌شدند و ترس و بیم آنها را فرامی‌گرفت!

از ابن مسعود (رض) روایت شده که گفته‌اند: شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و با ایشان به صحبت پرداخت و از ترس لرزه بر اندامش مستولی شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم به او گفتند: «**هون عليك فإني لست بملك، إنما أنا ابن امرأة تأكل القديد**». (ابن ماجه).

«آرام باش! من پادشاه نیستم، من فرزند زنی هستم که گوشت نمک سود و خشک شده می‌خورد.»

دین مقدس اسلام مسلمانان را نه تنها به حفظ زبان سفارش نموده، بلکه سکوت به عنوان فضیلت و کمال برای رشد انسان و پیمودن پله‌های ترقی معرفی کرده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «کسی که خداوند متعال را بشناسد و او را تعظیم کند دهانش را از سخن (بی‌فایده) حفظ می‌کند و شکمش را از غذا (پرخوری) نگه می‌دارد و رنج روزه گرفتن و نماز گزاردن را بر خویش هموار می‌کند»

گزیدن زبان :

گاهی زبان با بیان سخنانی موجب آزار دیگران می‌شود و حتی گاهی زمینه ادبیت خود را نیز فراهم می‌نماید. اگر زبان کنترل نشود به آبروی دیگران تعرض می‌نماید، طوریکه گفتیم: غیبت می‌کند، تهمت می‌زند، زخم زبان می‌زند، دشنام می‌دهد، فخر فروشی می‌کند، دیگران را کوچک می‌شمارد، عیب‌جویی می‌کند، افراد را سرزنش می‌کند و اسرار دیگران را فاش می‌سازد. هر يك از این کارها که با زبان انجام می‌گیرد به تنهایی می‌تواند به شخصیت، آبرو و روح و روان دیگران لطمات جبران‌ناپذیری وارد کند. البته آثار منفی آزاد گذاشتن زبان، گوینده را نیز دچار آسیب‌های جسمی و روحی می‌کند؛ چرا که چنین شخصی، با واکنش شدید طرف مقابل مواجه می‌شود و خود را در معرض حملات گفتاری و آسیب‌های جسمی او قرار می‌دهد. در روایات آمده است که «سلامت انسان بستگی به حفظ زبان از گفتن سخنان ناروا دارد»

رازداری:

رازداری عبارت از حفظ اسرار، و یا هم پنهان ساختن مسائل خصوصی است که مردم نباید از آن اطلاع حاصل نمایند.

حکم شرعی برای یک شخص مسلمان همین که باید همه سعی و تلاش خویش را در حفظ اسرار بخرچ دهد، فرق نمی‌کند این اسرار مربوط خودش و یا شخصی دیگر باشد.

حفاظت اسرار دیگران نشانگر امانت‌داری یک شخص مسلمانان به شمار می‌رود. اما در صورتیکه انسان راز و اسرار دیگران را فاش کند، به یقین مورد تنفر مردم قرار گرفته و در نهایت اعتماد بر آن از بین می‌رود. پیامبر صلی الله علیه

و سلم فرموده است: « **إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ الْحَدِيثَ ثُمَّ التَفَتَ فَهِيَ أَمَانَةٌ** » (ترمذی) یعنی: «وقتی کسی سخنی گفت و رویش را برگرداند، (سخن او نزد شما) امانت است.» زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم قصد غزوه ای داشت، تا وقتی که لشکر تجهیز و آماده ی نبرد میشد، کسی را از زمان و مکان آن باخبر نمی ساخت.

حضرت عمر بن خطاب (رضی الله عنه) می گوید: کسی که راز خویش نهان دارد، در کارهایش صاحب اختیار امور است.

کتمان اسرار زنا شوی:

در بین شوهر و زوجه راز ها و اسراری وجود دارد، که این راز ها را نباید برای دیگران فاش کرد، این راز ها از جمله امانت بوده، و افشای آن خیانت است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « **إِنْ مِنْ أَشْرَرِ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الرَّجُلُ يَفْضِي إِلَى الْمَرْأَةِ وَتَفْضِي إِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا** » (مسلم) (یعنی «همانا از بدترین مردم در نزد الله از روی مرتبه در روز قیامت، شخصی است که با زن همبستر می گردد و زن با او همبستر می گردد، سپس راز زن را (راز زناشویی را) آشکار می سازد».

بصورت کل گفته میتوانیم که: اسرار و راز داری دو نوع است؛ یکی، اسرار و راز دیگران را نگه داشتن و دیگری، اسرار خود را پوشاندن. انسان باید هم رازدار خود باشد و هم رازدار دیگران.

انسان ایکه از حفظ سرخود ناتوان باشد، یقین داشته باشید که بر حفظ اسرار و راز های دیگران هیچ وخت امین باقی نخواهد ماند. انسان باید همیشه مراقب آن باشد که: چه می گوید و با کی می گوید. زمانی که اسرار، نگفتنی است یا شنوای راز، محرم نیست، دل باید صندوق و نگاه دار باشد و از امانت خویش به بهترین وجه امانت داری کند و آن را بدون ضرورت برای کسی فاش نسازد.

حکمت دو گوش و يك زبان:

میگویند فیلسوف شهیر جهان سقراط در محافل که حضور می یافت، کمتر سخن می گفت: مردم به او گفتند: چرا کم حرف می زنی؟ گفت: « خداوند به من دو گوش و يك زبان داده است تا دو برابر آنچه به زبان می گویم، با گوش های خود سخن بشنوم، ولی بر عکس، ما انسان ها زیاد حرف می زنیم و کمتر گوش میکنیم.»

نباید فراموش کرد که: گفتگو، یک جاده دو طرفه است که یک طرف آن گفتن است و طرف دیگرش همانا گوش دادن است. علماء بدین عقیده اند که: گوش کردن اگر مهمتر از گفتن نباشد، قطعاً کم اهمیتتر از آن نیست. دلیل اینکه خداوند به ما دو گوش و یک دهان عطا فرموده، این است که بیشتر گوش کنیم و کمتر حرف بزنیم.

برای اینکه ما از صحبت دیگران پند و عبرت بگیریم، و یا هم به اصطلاح شنونده خوبی باشیم حد اعظمی کوشش بعمل آریم تا نکات ذیل را در زندگی خویش

مراعت کنیم :

- زمانیکه باشخصی مصروف صحبت و مباحثه هستید ، در حد توان کوشش بعمل آرید تا جسماً خود را بطرف شان متمایل کنید ، تا از یک طرف توانسته باشد که صحبت های جانب مقابل را بهتر و بیشتر وبا دقت خاص گوش کنید ، وجانب دیگر این حرکت نوع از صمیمت را در گوینده احساس میکند که گویا شما ، مشتاق شنیدن صحبتش هستید ، ولی نباید فراموش کرد که میلان نباید بیش از حد باشد . وهمیکه نوبت صحبت برای شما رسید وضعیت جسمی خویش را دوباره مثل سابق عیار نماید.

- در وقت صحبت کردن ، کوشش اعظمی بخرچ دهید تا صحبت جانب مقابل را قطع نه نماید وهمچنان در میان حرف های جانب مقابل داخل نشوید ، از قطع کردن صحبت دیگران جدا پرهیز کنید ، بگذارید صحبت های خویش را به اتمام برساند وکوشش کنید ، صحبت های خویش را بعد از چند ثانیه آغاز نماید .

- در حین صحبت در صورت ممکن با تماس چشمی سرتان را هم به منزله تایید تکان دهید و گاهی هم بگویید (بلی ، خو ، بسیار خواب ، وغیره.)

- در حین استماع صحبت جانب مقابل در صورتیکه سخن غم انگیز و موضوع جدی نبود، کوشش کنید برچهره لبخند داشته باشید ، این حالت نوعی از محبت ودوستی شما را نسبت صحبت کننده نشان میدهد . ولی بیاد داشته باشید که لبخند زدن زیاده نوع از کذابت را هم نشان میدهد.

- تکان دادن سر هم میتواند بمثابه تایید صحبت های جانب مقابل باشد ، وهم بمثابه اینست که شما مطالب ارائه شده را خوبتر فهمیدید ودر ضمن بدین عمل علاقمندی مزیدی به جانب مقابل در ارائه اطلاعاتی بیشتر هستید.

- اگر قرار باشد که صحبت جانب مقابل را قطع مینمودید ، وامکان انتظار وجود نداشت حداقل برایش بگوید که (مرا ببخشید که صحبت های شما را قطع میکنم) - کوشش کنید در وقت صحبت کردن جانب مقابل ، درچرت ها وتصورات خویش غرق نشوید.

- هکذا در وقت صحبت جانب مقابل به این طرف و آن طرف نگاه نکنید و به اصطلاح به چت خانه ویا هم بوت های خویش سیل نکنید.

- بطور مستمر به ساعت سیل نکنید، زیرا این عمل شما نشان میدهد که شما از شنیدن صحبت جانب مقابل دیگر خسته شده اید ودر ضمن نوع از نارامی برای شما رخ داده است.

- کوشش کنید در وقت استماع صحبت آرام باشید، زیاد حرکت کردن، عمل نامناسب بحساب می آید.

- اگر ممکن باشد در حین صحبت کردن، برخی از یادداشت ها را بعمل بیاورید ، بخصوص سوالات مهم خویش، را یادداشت نموده، این عمل زمینه را برای شما مساعد خواهد ساخت تا در ختم صحبت ها سوالات خویش را بصورت دقیق مطرح کنید ، ودر ضمن این عمل جانب مقابل را خشنود ساخته ، و برای شما معلومات مزیدی ارائه خواهد فرمود.

- اگر شما در یک جماعتی مصروف استماع صحبت هستید، کوشش کنید ، کسیکه مصروف صحبت کردن است، بجای آنان شما به سوال کنندگان جواب ارائه نه فرمایید ، بگذارید سوالات مطرح شده را خودش جواب گوید ، در حین ضرورت شما به اجازه صحبت کننده ، میتوانید صحبت ویا هم بجواب سولات سایرین بپردازید.

- اگر صحبت های جانب مقابل برای شما خوشایند نیست ، ویا هم صحبت های جانب مخالف نظریات شما است ، با آنها صبر و شکیبایی از خودتان نشان داده و با علایم کلامی و غیر کلامی نامناسب از خودتان عکس العمل نشان ندهید.

- نباید فراموش کرد که : شنونده خوب بودن کار سخت و دشواری است هرگز نباید صحبت کننده را در حین سخن گفتن سوال پیچ کنید و هنگامی که حرف او پایان یافت برای اینکه نشان دهید صحبت های او را کامل گوش کرده اید ، آن چه را شنیده اید را دوباره یک بار به طور سوالی مطرح کنیدمثلا بگویید (منظور شما این بود که...) و اگر احساس کردیدکه متوجه صحبت های او نشده اید ، کافی است که برایش دوستانه تقاضای کنید که موضوع مورد نظر شما را بار دیگر تکرار فرماید .

شنونده خوب بودن بدین معنا نیست که بتوانیم به موقع گوینده خوبی باشیم بلکه شنونده خوب بودن گامی است برای گوینده موفق بودن.

آداب سخن گفتن مؤمن مسلمان:

یکی از آداب سخن گفتن اینست که هم سخن نیکو بگوییم و هم آنرا بصورت نیکو ارائه کنیم ، توجه باید کرد این دو صفت دارایی مفاهیم خاصی است ، اولی اشاره به محتوای صحبت دارد ودومی به چگونگی بیان صحبت، اولی ریشه در علم ودرایت گوینده ودومی نشان دهنده آداب گوینده است.

خداند متعال نعمت های متعددی به انسان اعطا فرموده است ، که از هر کدام آن باید انسان شکر گزار باشد، بر علاوه شکر گزاری، باید از این اعضا در محل ایکه خداوند برآن امر فرموده است استفاده شود.

اولین هدایت دستور ورهنمود که الله تعالی برای شخصی مسلمان در صحبت کردن هدایت فرموده است، رعایت تقوای الهی در صحبت کردن است: « **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا** » (ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن (حقّ و) استوار گوید).

نعمت زبان با در نظر داشت اینکه از لحاظ جسمی بی نهایت حجم کوچک نسبت به سایر اعضای بدن دارد، اما کارایی بسیار زیادی دارد و به همین علت هم می بینیم گناهان زیادی را برای این عضو بر شمرده اند.

قرآن عظیم الشان برخی خصوصیات وانظار را برای ما بیان فرموده که باید آنرا جداً در نظر باید گرفت:

1- در سخن گفتن باید احتیاط را از دست ندهیم، ونباید فراموش کنیم که هر

چیزیکه از زبان ما خارج میشود فردا در نزد الله جوابگوی آن خواهیم بود :

« **وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ ، كِرَامًا كَاتِبِينَ** » (سوره انفطار 10- 11)

- 2- «... وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (سوره نساء/87) (چه کسی از خداوند راستگوتر است؟)
- 3- «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ...» (سوره فصلت/33) (چه کسی گفتارش نیکوتر است از کسی که به سوی خدا دعوت می کند؟)
- 4- «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (سوره طه/44) (در نصیحت دیگران سخن گفتن با نرمی احتمال تأثیرش بیشتر است)
- 5- «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ...» (سوره انعام/54) (سلام کردن، بهترین شروع برای آغاز سخن با مؤمنان)
- 6- «... وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» (سوره بقره/83) (با مردم به نیکی سخن بگویید)
- 7- «... فَبَشِّرْ عِبَادِ، الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...» (سوره زمر/17-18) (سخنان را بشنوید، اما به بهترینش عمل کنید)

نسخهء شرعی

در صحبت کردن با مادر و پدر

نباید فراموش کرد که مادر و پدر دو هدیه بزرگ الهی هستند که همه انسانها به مقام والای آن پی برده، و به دید احترام و عزت به آنها می بینند، دین مقدس اسلام نیز این حس درونی انسان ها را که از یک منبع عاطفی و عقلی سر چشمه می گیرد، تحریک نموده و با هدایات و رهنمود های متعددی مقام و منزلت آنها را بیان نموده و به فرزندان هدایت فرموده اند، که یک لحظه ای هم از احترام پدران و مادران غافل نشوند و در سخن گفتن به آنها از دقت لازم کار گیرند. قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم در آیات 23 و 24 سوره مبارکه اسراء دستورهای بسیار مهمی را به فرزندان ارائه داشته است:

اولین هدایت شرعی برای فرزندان اینست که از استعمال کلماتی که خلاف ادب و احترام است مانند گفتن کلمه «اف» که کمترین ناراحتی فرزند را می رساند خودداری نمایند: «فَلَاتَقُلْ لَهُمَا اف» به آنها (حتی) «اف» مگو»

- بر فرزندان است تا از گفتن کلماتی که باعث رنجش پدر و مادر میگردد، پرهیز بعمل آید و با آنان نباید پرخاش و غالمغال کرد: «وَلَا تَنْهَرُهُمَا» (به آنان پرخاش مکن)

- بر فرزندان لازم و واجب است تا به پدر و مادر، بطور شایسته و با بزرگواری و کریمانه سخن بزنند، و همیشه از کلمات شایسته استفاده بعمل آرند:

«وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ و با آنان سخنی شایسته بگوی»

- بر فرزندان واجب است تا با پدر و مادر متواضعانه سخن بگویند و از به کار بردن کلمات و سخنان متکبرانانه جداً دوری نمایند. «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ؛ و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر»

- بر فرزند است که از خدای تعالی برای والدین خود طلب خیر و برای آنان دعا کند و رحمت و آمرزش پروردگار را خواستار شود: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا

رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ و بگو پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنانکه مراد در خُردی پروردند».

نسخهء شرعی

در صحبت کردن زن با اشخاص نامحرم

در دین مقدس اسلام در باب سخن گفتن زن با مرد نامحرم هدایت و دساتیر خاصی در کتاب الله و سنت رسول الله، ارائه شده است، یکی از این دساتیر اینست که اگر ضرورتی به سخن گفتن نباشد سکوت برایش بهتر است.

پروردگار با عظمت ما (در آیه 32 سوره احزاب) می فرماید:

«... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (پس

در سخن گفتن ملایمت نکنید (یعنی: هنگامی که با مردان نامحرم سخن می گوئید، تن صدایتان را پایین نیاورید و نرم و ملایم سخن نگوئید چنان که زنان فتنه برانگیز چنین می کنند) «که آن گاه کسی که در دلش مریضی است (یعنی: کسی که بدکار یا منافق است) طمع می ورزد. و نیکو سخن گوئید» (نزد مردم، طبق سنتهای شرع؛ سنجیده و به دور از شک برانگیزی، به طوری که شنونده چیزی از آن را ناشایست و غیرشرعی تلقی نکند).

در تفسیر «إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» مفسرین مینویسند که: «زن ایکه با کرشمه سخن گوید، علامه بی تقوایی اوست».

در تفسیر «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» مفسرین مینویسند که قرآن عظیم الشان تعلیمات و رهنمود خاصی را برای صحبت کردن زن با نامحرمان بیان داشته است که باید توسط زنان با تقوای جدأ رعایت گردد.

بصورت کل از فحوای آیه متبرکه بوضحات تام معلوم میشود که: بر زنان لازم است در صحبت کردن با نامحرمان در جنب اینکه رعایت آداب گفتار، دارند، موظف اند دواصل اساسی دیگر را نیز رعایت نمایند:

اول:

اصل اول خضوع در گفتار است:

خضوع در گفتار طوری است که: سخن ایشان اشاره به فروتنی، تسلیم و فرمان برداری بدون قصد را داشته باشد مانند: نازک، ظریف، با ناز و کرشمه و با نرمی سخن گفتن با نامحرمان جلوگیری بعمل آرد، تا مبادا دل آنان را دچار ریبه و پندارهای شیطانی نموده و شهوتشان را برانگیزاند و در نتیجه مردانی که به مریضی اخلاقی اغشته اند، و به خاطر نداشتن و یا کمی ایمان به ایشان طمع ورزند.

دوم:

بر زنان لازم است با «قَوْلًا مَعْرُوفًا» و کلام شناخته شده، کلام مورد رضا پروردگار و پیامبر صلی الله علیه وسلم و توام با حق و عدالت باشد، با مردان نامحرم تکلم نمایند، طوری که سخن ایشان موجب آرامش و اطمینان شنونده شود، نه باعث اضطراب و تشویق خاطر او، سخنی زیبا و به دور از اشاره به فساد و

ریبه، سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را شایسته و پسندیده می‌داند و آن کلام، موافق با دین و اسلام است.

مفسر شهیر جهان اسلام سید قطب در تفسر « **قَوْلًا مَعْرُوفًا** » می‌نویسد: «قول معروف یعنی اینکه سخن آنها در امور معروف و نیک باشد نه منکر و بد مانند شوخی کردن و» (سید قطب، 1412ق: جلد 5، صفحه 2859).
بصورت کل باید گفت:

هر صحبت و خندیدن زنان با نامحرم که موجب فساد و گناه شود بصورت مطلق جایز نیست. و هر حرکت و کرشمه و حتی پوشیدن لباس که موجب جلب توجه نامحرم شود، باید از آن جلوگیری بعمل آید، و اگر احیاناً به راه انداختن همچو اعمال و حرکات موجب توجه و نگاه سوء و تهییج مردان شود گناه کبیره است. به مردان است زمانیکه صحبت های زنان را که آب و تاب و صدای نازک و به اصطلاح به کرشمه صحبت میکنند، و مرد حس کند که از صحبت او تلذذ و یا ترس افتادن به گناه در میان باشد، حکم شرعی برای مرد ها، همین است که از شنیدن صحبت های همچو زنان جلوگیری بعمل آرند، و شنیدن همچو صحبت ها برایش حرام و ناجایز است.

نسخه شرعی:

بهترین راه برای خروج و بیرون رفت از این دام شیطانی، بر مرد وزن است تا این نسخه نجاتبخش قرآنی را در زندگی خویش رعایت و مورد تطبیق قرار دهد:

اول برای مردان:

« **قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ** » (به مردان مؤمن بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی خود را حفظ کنند. (سوره نور، آیه 30)

قرآن عظیم الشان با تمام صراحت مرد را از انجام دادن به اعمال که موجب زنا میگردد منع فرموده و در (آیه 32 سوره الإسراء) فرموده است: «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجِيَّ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (و به زنا نزدیک نشوید بدرستیکه آن فاحشه و بد راهی است) طوری که در فوق یاد آور شدیم تاکید قرآن عظیم الشان همین است که: از نزدیکی و انجام دادن مقدمات زنا باید جلوگیری شود، از جمله: مزاح و شوخی های بیمورد، بوسه و نگاه شهوت انگیز و حرکات دیگر. هکذا سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز از پرهیز و نزدیکی به زنا و

مقدمات آن شدیداً ممانعت بعمل آورده و در حدیثی می‌فرماید: «**إياكم والدخول على النساء**» **قيل: يا رسول الله أفرأيت الحموم؟ فقال: «الحموم الموت»** (متفق علیه)، یعنی: (پرهیزید از وارد شدن به محیط زنان (بیگانه)، از او سؤال شد: «در مورد نزدیکان (قوم و خویش) همسر چطور؟» پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند:

« (خطر) نزدیکان همسر بمثابة مرگ است! »

و همچنین از خلوت کردن با زنان بیگانه نهی کرده است و فرمودند: « **ما خلا رجل بامرأة إلا كان الشيطان ثالثهما** » (روایت احمد 1/26)، یعنی (هیچ

مردی نیست که با زن (نامحرمی) خلوت کند مگر اینکه شیطان شخص سوم آنها خواهد بود).

همچنین فرموده است: «**اتقوا الدنيا واتقوا النساء فإن أول فتنة بني إسرائيل كان في النساء**» (روایت مسلم 2742)، یعنی: (بپرهیزید از دنیا و از زنان، زیرا اولین فتنه بنی اسرائیل در زنان بود).

همچنین فرمودند: «**ما تركت بعدى فى أمتى فتنة أضر على الرجال من النساء**» (متفق علیه)، یعنی: (پس از خودم در امتم چیزی خطرناکتر از فتنه زنان برای مردان ترک نکردم).

دوم برای زنان:

وبهترین راه بیرون رفت از مزیقه و افتادن در دام شیطان، بر زنان است که این سه نسخه حیاتبخش را در زندگی خویش عملی فرمایند:

1- رعایت حجاب: «**وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ**» (به زنان با ایمان بگو چشم از نگاه به مردان اجنبی فرو بندند و فرج (عورت) های خویش را حفظ کنند و زینت خویش را جز آنچه پیداست آشکار نسازند و نیز دستور بده تا اطراف سرپوش های خود را بر گریبان و سینه های خود انداخته، آن را بپوشانند و هنگام راه رفتن پایهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت های پنهانی شان معلوم شود) (سوره نور آیه 31)

2- دومین توصیه به زن ها اینست که با مرد اجنبی، کمتر اختلاط داشته باشند.

البته زن با رعایت حدود حجاب شرعی میتواند مصروف امور اجتماعی شود.

3- سومین توصیه که برای زن ها در شرع وجود دارد همانا رعایت حیا است. حیا به این معنا است که انسان به خاطر ترس از آلوده شدن به گناه، خود را نگاه کند. حیا برای زن، دارای ارزش ذی قیمت اخلاقی میباشد. الهی ما را از آن برخوردار نما!

گناهان زبان:

گناهان زبان متعدد و زیاد هستند، که ضرورت به نوشتن رساله مستقلی در این باب دارد، ولی من صرفاً در اینجا مختصراً، به عده ی از این گناهان اشاره می کنم، از پروردگار با عظمت توفیق میخوایم که ما را از این گناهان محفوظ و نجات دهد امین.

برخی از این گناهان عبارتند از:

« غیبت، نامی (سخن چینی)، دروغ، دو زبانی، بهتان و افتراء قذف، افشاء اسرار مؤمن، دشنام، لعن و نفرین، طعن و شماتت، سُخریه و استهزاء، مدح، اظهار غضب، غنا، کثرت مزاح و خنده، تکلم بدون علم در امور مهم و شرعی، تکلم بی فایده، منکر خدا شدن، غیر خدا را پرستش کردن، دروغ بستن به خدا، کفران نعمت، اظهار ناامیدی کردن از خداوند، به الله دشنام دادن، نسبت بی عدالتی به الله، ادعای خدائی کردن، دعای خیر برای ستمگران، نفرین کردن، با

دشمنان خدا اظهار دوستی کردن، منکر رسالت پیامبر شدن، حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال دانستن، به ناحق شهادت دادن، به پدر و مادر اُف گفتن، عیبجویی کردن، وعده دروغ دادن، با زن نامحرم شوخی کردن، سخن برادر مسلمان خود را قطع کردن، پیشگویی و کفایت، امر سلاطین را امر خدا دانستن و غیره...

وما علينا الا البلاغ المبين

فهرست موضوعات مندرج :

- مقدمه
- رسالت زبان
- زبان وسیله شناخت انسان
- زیبایی های زبان در قرآن کریم
- زبان در احادیث نبوی (صلی الله علیه وسلم)
- زبان وسیله تمایز انسان با حیوان
- عفت زبان
- تقاضای اعضای بدن از زبان
- درد زبان
- کم سخن گفتن
- جلو زبان را باید در اختیار داشت
- فکر کردن قبل از سخن گفتن
- معجزه زبان
- آفتهای زبان
- غیبت
- دروغگویی
- گزیدن زبان
- رازداری
- کتمان اسرار زنا شوی
- حکمت دو گوش و یک زبان
- آداب سخن گفتن مؤمن مسلمان
- نسخه شرعی در صحبت کردن با مادر و پدر
- نسخه شرعی در صحبت کردن زن با اشخاص نامحرم
- گناهان زبان

موضوع : نعمت زبان

تتبع و نگارش :

امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی
مهتم : دکتور صلاح الدین « سعیدی – سعید افغانی »
مصحح: فضل احمد

ادرس : saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**